

تحلیل جلوه‌های فضا سازی روایی رمان زیبا صدایم کن بر اساس نظریه لوسین گلدمن

مریم فرهنگندی^۱، فرشته ناصری^{۱*}، مریم پیکانپور^۱، زهره سرمد^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۸۳-۵۷

<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7930>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: فضا سازی در داستان چیزی فراتر از مکان وقوع داستان است. فضا سازی شامل عواملی مانند پیشینه فرهنگی، محیط اقتصادی و اجتماعی می شود. فضا سازی بر عواملی چون زبان و عملکرد شخصیت ها تأثیر می گذارد. اثر داستانی زیبا صدایم کن با برخورداری از ساختاری اجتماعی، بستر مناسبی را جهت کشف مبانی فرهنگی فراهم می سازد. جستجوی تمهیداتی که نویسنده جهت بیان مقاصد درونی کلام خویش بر اساس دغدغه های حاکم در ذهن، از آن بهره برده است موضوع اصلی این پژوهش است. در این مقاله کوشیده ایم مبانی اجتماعی را به لحاظ نقد و ارزیابی مبانی فرهنگی و اخلاقی در اثر زیبا صدایم کن بررسی کنیم.

روش ها: پژوهش پیش رو، مطالعه ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه ای و با روش توصیفی- تحلیلی و مطالعات کتابها و پایان نامه ها به تبیین جلوه های فضا سازی فرهنگی و اجتماعی این اثر پرداخته است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، اثر زیبا صدایم کن به قلم فرهاد حسن زاده بوده که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

یافته ها: اثر زیبا صدایم کن در مقایسه با دیگر آثار فرهاد حسن زاده، به نمایش آسیب های اجتماعی در قشر نوجوان پرداخته است و مضامین اجتماعی و فرهنگی از جمله فقر، تنهایی، کودک بی سرپرست و طلاق را به زیبایی به تصویر کشیده است. مهمترین شاخصه این اثر، بهره وری از شیوه های بیانی نثر عامیانه و حوادث پر رمز و راز به زبانی ساده و روان است.

نتیجه گیری: این اثر بر مبنای نظریه ساختگرایی لوسین گلدمن مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است و نتایج پژوهش حاکی از آن است که این داستان، با ساختار استوار خود، بر مبنای فرم و ساختاری منحصربه فرد، توانسته است روابط و مناسبات فرهنگی و اجتماعی را با تکیه بر اصطلاحات ویژه به زبان رمز و کنایه بیان نماید. دستاورد مهم این پژوهش، گسترش مرزهای نظری ساختگرایی تکوینی به حوزه روایت شناسی فضا محور در ادبیات کودک و نوجوان فارسی است؛ جریانی که کمتر از منظر جامعه شناسی ادبی لوسین گلدمن مورد بررسی قرار گرفته است.

تاریخ دریافت: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۰۶ تیر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۲ مرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

فضا سازی، ساختگرایی لوسین گلدمن، زیبا صدایم کن، ادبیات معاصر، نقد ادبی، فرهاد حسن زاده.

* نویسنده مسئول:

Naseri1033@ausr.ac.ir

۵۵۲۲۹۲۰۰ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the effects of narrative space-building in the beautiful novel Call Me by Lucien Goldman's theory

M. Farahmandi¹, F. Naseri^{*1}, M. Peykanpour¹, Z. Sarmad²

1- Department of Persian Language and Literature, Yi.C., Shahr-e-Ray, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 May 2025

Reviewed: 11 June 2025

Revised: 27 June 2025

Accepted: 13 August 2025

KEYWORDS

Space-making, Lucien Goldman's constructivism, Call me beautiful, contemporary literature, literary criticism, Farhad Hassanzadeh.

*Corresponding Author

✉ Naseri1033@ausr.ac.ir

☎ (+98 21) 55229200

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Setting in a story is more than just the place where the story takes place. Setting includes factors such as cultural background, economic and social environment. Setting affects factors such as language and the performance of characters. The beautiful work of fiction, Call Me Beautiful, by having a social structure, provides a suitable platform for discovering cultural foundations. The main subject of this research is to search for the means that the author has used to express the inner intentions of his words based on the concerns prevailing in the mind. In this article, we have tried to examine social foundations in terms of criticism and evaluation of cultural and moral foundations in the beautiful work, Call Me Beautiful.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study that uses a library research method and descriptive-analytical method and studies of books and theses to explain the cultural and social space-building effects of this work. The scope and society studied is the beautiful work "Call Me" by Farhad Hassanzadeh, which has been published by the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

FINDINGS: Compared to other works by Farhad Hassanzadeh, the beautiful work "Call Me" has shown social harms in the adolescent population and has beautifully depicted social and cultural themes such as poverty, loneliness, orphans, and divorce. The most important characteristic of this work is the use of folk prose and mysterious events in simple and fluent language.

CONCLUSION: This work has been studied and evaluated based on Lucien Goldman's structuralism theory, and the results of the research indicate that this story, with its solid structure, based on a unique form and structure, has been able to express cultural and social relations and relationships by relying on special terms in the language of codes and allusions. The important achievement of this research is the expansion of the theoretical boundaries of structuralism to the field of space-based narratology in Persian children's and adolescent literature; a trend that has been less studied from the perspective of Lucien Goldman's literary sociology.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7930>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 0

مقدمه

پژوهش حاضر به تبیین مبانی اجتماعی و شاخصه‌های گفتاری چند وجهی اثر داستانی زیبا صدایم کن می‌پردازد که نویسنده بر اساس شرایط زمانی و مکانی متعدد در جامعه روزگار خود و بر مبنای روابط و مناسبات موجود جهت بیان مقاصد درونی خویش از آن بهره جسته است. در واقع فضا سازی، زبان سخنوری نویسنده جهت بیان ضرورتهاست. آنچه که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته شده واژگان چندوجهی است که نویسنده بنا بر اقتضای شرایط حاکم از صورتهای بیانی متفاوت یک واژه بهره جسته و سعی داشته است که در موقعیتهای متفاوت روایتهای گفتاری آن حادثه، با استفاد از ویژگیهای ذاتی یک واژه دست به خلق تصاویر متعددی در قالب مبانی اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی زده و متن را برای خواننده با جاذبه و کشش بیشتری همراه سازد. در پژوهش حاضر با توجه به مناسبات رفتاری لوسین گلدمن و افکار اجتماعی وی در تبیین آثار اجتماعی به نقد و بررسی اثر اجتماعی زیبا صدایم کن پرداخته‌ایم.

بیان مساله

مساله اصلی پژوهش حاضر کشف ساختارهای فضا سازی اجتماعی داستان زیبا صدایم کن است که با تکیه بر محتوای فرهنگی و نثری معمول و روان به بیان واژگان متعدد با معانی مختلف می‌پردازد. زیرا نویسنده با بهره‌گیری از زبان انتقاد در نثری بین روایا و حقیقت و زبانی پر رمز و راز و گاه با بیانی معلق و پیچیده خواننده را به کشف معانی پنهانی متن در قالب مبانی گفتاری چند معنایی با استفاده از آرایه‌های ادبی رهنمون می‌سازد.

پیشینه تحقیق

در خصوص اثر داستانی زیبا صدایم کن تاکنون پژوهشهای متعددی به رشته تحریر درآمده، اما در خصوص نقش فضا سازی این اثر بر مبنای نظریه لوسین گلدمن در بیان رویدادهای فرهنگی و اجتماعی این اثر، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از پژوهشهای انجام یافته پیرامون این اثر، می‌پردازیم. ۱- اسکندری مریم (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی آثار منصور یاقوتی بر اساس نقد تکوینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ، دانشگاه الزهراء. ۲- شهبازی آرزو (۱۳۹۳). نقد جامعه‌شناختی رمان همسایه‌های احمد محمود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ، دانشگاه الزهراء. ۳- طباطبایی نژاد عارفه (۱۳۹۴). نقد جامعه‌شناختی رمانهای بلقیس سلیمانی. دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ، دانشگاه الزهراء. ۴- عسگری حسنکلو عسگر (۱۳۸۵). نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده، رساله دکتری، دانشکده ادبیات، دانشگاه تربیت مدرس.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای (مطالعات کتابها و پایان‌نامه‌ها، صورت پذیرفته است.

ضرورت تحقیق

ضرورت پرداختن به چنین پژوهش‌هایی دستیابی به رموزی است که زبان نقد و فضا سازی با ساختارهای متعدد خود در متن، نویسنده را جهت بیان افکار و ارائه‌ی اندیشه‌های درونی خویش بر اساس ساختار نقد و نظریه و عناصر ساختاری کلام یاری می‌سازد. تا آنچه را که هدف غایی او از بیان روایت‌های مکرر است، محقق گردد.

اهداف پژوهش

ضرورت پرداختن به چنین پژوهش‌هایی، نقد و تحلیل عناصر ساختاری متن بر مبنای معانی ثانویه‌ی آن از طریق زبان نقد است که ما را در جهت کشف قوانین درونی متن بر مبنای روابط و مناسبات کلامی و اهداف متعالی نویسنده با طرح یک سوژه‌ی داستانی رهنمون می‌سازند. آنچه را که می‌توان به عنوان اهداف اصلی پژوهش حاضر ذکر نمود عبارتند از: معرفی دیدگاه ساختگرایی تکوینی و روش تحلیل متون بر اساس نظریه لوسین گلدمن. شناخت عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر در شکلگیری این اثر و میزان انعکاس واقعیت‌های اجتماعی عصر معاصر. شناخت دقیق و ساختاری پیکره‌ی داستان‌های معاصر با تکیه بر بعد تشریحی رویکرد ساختگرایی تکوینی داستان زیبا صدایم کن.

سؤالات تحقیق

- ۱- کدامیک از مضامین اجتماعی داستان زیبا صدایم کن دارای روابط و مناسبات اجتماعی است؟
- ۲- مناسبات گسترده‌ی متون اجتماعی و فرهنگی با برگزیدن فضا‌های متعدد، تا چه حد در تبیین مضامین درونی متن به لحاظ بیان واقعیت‌های اجتماعی مؤثر بوده است؟
- ۳- ساختگرایی گلدمن و شاخصه‌های گسترده‌ی آن در بیان عناصر واحد کلام نظیر: کلمات در زمانها و مکانهای مختلف با رویکردهای متعدد فرهنگی اخلاقی و اجتماعی به چه شکل نمود و بروز یافته است؟
- ۴- کدام عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکلگیری اثر زیبا صدایم کن و ساختار ذهنی نویسنده وی، دخیل بوده است؟
- ۵- جهان بینی و آگاهی- جمعی- حاکم بر اثر مورد پژوهش و ساختار کلی آن چگونه است؟

فرضیه‌ها

- ۱- تمامی ساختارهای شخصیت اصلی داستان در تعامل با اشخاص و حوادث مختلف؛
- ۲- نویسنده با بهره‌گیری از مناسبات فرهنگی و اجتماعی متعدد خواننده را در بطن حادثه قرار می‌دهد بطوریکه با شخصیت‌های اصلی داستان همزاد پنداری میکند.
- ۳- ساختگرایی گلدمن با تحلیل روابط و مناسبات رفتاری و بنمایه‌های جزئی به تشخیص زیرساخت‌ها و عواملی می‌پردازد که بستر ایجاد یک حادثه اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند.
- ۴- بنابر شواهد اجمالی، روحیه ثروت‌اندوزی، فضای خفقان‌آلود اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی در شکلگیری اثر مورد پژوهش، تأثیر داشته است.

۵- با تکیه بر تشریح اثر، به نظر میرسد جهان بینی متجلی در آن، بر رؤیا بافی و اعتقاد به آموزه‌های اجتماعی و اخلاق و رفتار فردی و جلوه‌های اجتماعی انسان مدارانه استوار است.

مبانی نظری

ادبیات داستانی

ادبیات داستانی همواره بستری برای بازنمایی تجربه‌های انسانی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، تاریخی و روانی بوده است. در این میان، ادبیات کودک و نوجوان نقش ویژه‌ای در روابط و مناسبات ساختاری داستانها دارد؛ چراکه نه تنها پاسخگوی نیازهای روان شناختی و عاطفی نسل در حال رشد است، بلکه حامل بازتابی از ساختارهای فرهنگی و ارزشی جامعه نیز به شمار میرود. رمان نوجوان، به ویژه در سالهای اخیر، از مرز سرگرمی فراتر رفته و به زبانی برای بیان بحرانهای جمعی، اضطرابهای هویتی و تقابلهای طبقاتی تبدیل شده است.

در این روایتها، عنصر فضا جایگاهی تعیین کننده دارد. فضا سازی در داستان نوجوان، نه تنها مکان رخدادها را ترسیم میکند، بلکه سازنده نظام معنایی متن و شکل دهنده درک شخصیت از خود و جهان پیرامون است. فضا میتواند بازتابی از تنگناهای اجتماعی، محدودیتهای طبقاتی، یا میل به رهایی و تغییر باشد. فضاهای محدود، خفقان آور یا پرتنش، اغلب تجربه زیسته طبقات فرودست و گروه‌های به حاشیه رانده شده را منعکس میکنند و در مقابل، فضاهای گشوده، طبیعی یا متحرک، اغلب حامل نشانه‌هایی از حرکت، تغییر و امید هستند.

در بستر چنین نگاهی، این پژوهش با تمرکز بر رمان «زیبا صدایم کن»، تلاش میکند با واکاوی فضاهای روایی، به لایه‌های پنهان معنا و ساخت ذهنی نویسنده نزدیک شود. فرض اصلی پژوهش حاضر آن است که فضا سازی، بازتاب دهنده نوعی آگاهی جمعی است؛ آگاهی که نویسنده، خود آگاه یا ناخود آگاه، آن را در دل روایت بازآفرینی میکند.

این پژوهش با بهره گیری از چارچوب نظری ساختگرایی تکوینی، در پی آن است که نشان دهد چگونه فرم روایی به ویژه فضا سازی نه تنها متأثر از تجربه فردی، بلکه ریشه دار در ساختار اجتماعی و ذهنی طبقه مولد روایت است. بنابراین، فضا در این رمانها تنها صحنه‌ای برای رویداد نیست، بلکه عرصه‌ای است برای شکلگیری معنا، بازنمایی هویت و تقابل ایدئولوژیها.

در مطالعه ساختارهای درونی آثار روایی، نظریه‌های جامعه محور از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ به ویژه آن دسته از نظریه‌هایی که میان فرم روایی و ساختار اجتماعی پیوندی دیالکتیکی قائل اند. یکی از مهم ترین این نظریه‌ها، نظریه‌ی ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن است. گلدمن با تأکید بر پیوند میان ساختارهای معنایی آثار ادبی و جهان نگرایی جمعی گروه‌های اجتماعی، بنیانی فراهم میکند برای تحلیل آثار ادبی.

ساختگرایی تکوینی از منظر لوسین گلدمن

ساختگرایی تکوینی

یکی از شاخه‌های مهم نظریه‌های جامعه شناسی ادبیات است که در دهه‌ی ۱۹۶۰ توسط لوسین گلدمن، نظریه پرداز رومانیایی تبار فرانسوی، بسط یافت. گلدمن در واکنش به فرمالیسم خشک و همچنین مارکسیسم تقلیل گرا، نظریه‌ای ارائه داد که ضمن توجه به ساختار درونی اثر، آن را در زمینه‌ی اجتماعی-تاریخی تولید و در پرتو ذهنیت جمعی طبقه‌ای معنا میکرد. (گلدمن، ۱۹۷۵، ص ۷)

لوسین گلدمن فراتر از جامعه‌شناسی، با درهم آمیختگی فرم و محتوا، نظریهٔ «ساختگرایی تکوینی» را در تحلیل آثار ادبی، ارائه داده است. او با بیان اجزا و عناصر اصلی در فرم و ساختار، ساختار معنادار متن را با جهانبینی صاحب اثر بررسی کرده است. (تایوگ و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۷)

گلدمن معتقد بود که آثار هنری و ادبی، به‌ویژه آثار برجسته، بازتاب‌دهندهٔ آگاهی ممکن^۱ یک گروه یا طبقهٔ اجتماعی‌اند؛ آگاهی که هنوز به شکل عینی و کامل در جهان اجتماعی تحقق نیافته، اما در قالب روایت، شخصیت‌پردازی و فضا نمود مییابد (گلدمن، ۱۳۸۳: ۱۲۴). این دیدگاه، به‌ویژه در تحلیل متونی که در شرایط بحران اجتماعی، محرومیت طبقاتی یا نابرابری تولید شده‌اند، کارآمد است.

نکته‌ی بنیادین در نظریه‌ی گلدمن، پیوند سه‌گانهٔ ساختار درونی متن، ساختار ذهنی مؤلف و ساختار اجتماعی طبقه یا گروه اجتماعی است. او تأکید دارد که ساختار روایی نه‌تنها خود بسنده یا حاصل ذوق فردی نویسنده نیست، بلکه بازتاب ساختاریافتهٔ نوعی جهان‌نگری جمعی است که در قالب زبان ادبی ظهور یافته است. (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۱۰۵) از این‌رو، متن ادبی را باید به‌مثابه «ساختاری با خاستگاه اجتماعی» بررسی کرد.

در این راستا، مفاهیم کلیدی نظریه گلدمن عبارت‌اند از:

-آگاهی ممکن

این مفهوم نشان‌دهندهٔ نوعی آگاهی است که می‌تواند توسط یک طبقه یا گروه اجتماعی در شرایط خاص تاریخی تولید شود، ولی هنوز به آگاهی بالفعل و عینی بدل نشده است. اثر ادبی، این آگاهی را در ساختی روایی، هنری و استعاری بازتابانند (گلدمن، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷).

-کنش جمعی

در آثار ادبی مورد تحلیل گلدمن، اغلب شخصیت‌ها تنها به‌مثابه افراد دیده نمی‌شوند، بلکه نمایندهٔ نوعی کنش جمعی هستند. این شخصیت‌ها به‌نحوی حامل افق دید، آرزوها، ناکامی‌ها و تضادهای یک گروه اجتماعی‌اند. (گلدمن، ۱۹۷۷، ص ۱۱۸)

-ساخت ذهنی

ساخت ذهنی مفهومی است که گلدمن برای توصیف الگوهای فکری، ارزشی و احساسی رایج در میان یک طبقه یا گروه خاص به کار می‌برد. متن ادبی، با بازتاب ساخت ذهنی طبقه، در واقع تصویری ذهنی از ساخت اجتماعی ارائه می‌دهد (گلدمن، ۱۳۸۳: ص ۱۶۸).

-جهان‌نگری^۲

جهان‌نگری، به‌زعم گلدمن، نظام ارزشی، فکری و معنایی مسلط بر یک طبقه یا خرده‌فرهنگ است که متن را شکل می‌دهد. هر رمان یا اثر هنری بزرگ، به‌نوعی بیانگر یک جهان‌نگری خاص است؛ خواه این جهان‌نگری غالب باشد، خواه در حاشیه یا در وضعیت مقاومتی قرار گیرد. (گلدمن، ۱۹۶۹، ص ۴۳)

-ساختار تکوینی اثر

ساختار تکوینی نه ساختی ایستا بلکه ساختی پویاست که در تعامل میان ذهنیت مؤلف، ساختار اجتماعی، و موقعیت تاریخی شکل می‌گیرد. بنابراین، تحلیل ساخت‌گرایانه باید بتواند به ساختار درونی اثر، ساختار ذهنی مؤلف، و ساختار اجتماعی بازنمایی‌شده در متن به‌طور هم‌زمان توجه کند. (گلدمن، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴)

¹ Possible Consciousness.

² Weltanschauung

گلدمن در آثارش به‌ویژه در تحلیل رمانهای بالزاک، راسین، مالرو و همچنین متون فلسفی از ساختگرایی بهره میگیرد تا نشان دهد که چگونه حتی فرم ادبی (مثل ساختار تراژدی، شیوهی شخصیت‌پردازی، زبان و فضا) بازتابی از تناقضها و تضادهای اجتماعی است. (گلدمن، ۱۹۷۵، ص ۴۵)

نظریه‌های روایت و فضا

مفهوم فضا در روایت، یکی از بنیادین‌ترین مؤلفه‌های داستانی است که نه تنها زمینه وقوع رخدادها را مشخص میکند، بلکه به‌مثابه بستری برای شکلگیری معنا، هویت شخصیتها، و بازنمایی روابط قدرت و ذهنیت مؤلف نیز عمل میکند (Lothe, 2000: 39) در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازان روایت از جمله میک بال، سیمور چمن، ژرار ژنت، و یوری لوتمان به‌صورت صریح یا ضمنی به بازتعریف مفهوم فضا در بافتار روایت پرداخته‌اند.

تعریف فضا در روایت

فضا^۱ یا مکان روایی^۲ در ساده‌ترین تعریف، عبارت است از «مجموعه شرایط زمانی-مکانی که کنش داستانی در آن اتفاق می‌افتد» (Rimmon-Kenan, 1983: 64). اما فضا در روایت، صرفاً یک عنصر توصیفی یا پس‌زمینه‌ای نیست؛ بلکه نقشی ساختاری در شکلگیری کنشها، شخصیتها و حتی ایدئولوژی روایت دارد (Ryan, 2003: 210).

انواع فضا در روایت

نظریه‌پردازان روایت، انواع مختلفی از فضا را برشمرده‌اند که از جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:
۱- فضای فیزیک: فضای ملموس و قابل مکانگذاری که شخصیتها در آن حرکت میکنند؛ مانند خیابان، خانه، کوه، مدرسه.

فضای ذهنی: فضایی که نشانگر حالات روانی، نگرانیها، کابوسها یا خاطرات شخصیت است؛ گاه به‌صورت استعاره یا نمادین ترسیم میشود (Zoran, 1984: 312)

۲- فضای ایدئولوژیک: فضایی که حامل نشانه‌های گفتمانی، ارزشی و قدرتمند است؛ مانند فضای دینی، طبقاتی یا جنسیتی.

۳- فضای فرهنگی/تاریخی: فضایی که حامل نشانه‌های فرهنگی و دوره‌های تاریخی است و اغلب با زمینه اجتماعی اثر گره خورده است.

۴- فضای متنی/بینامتنی: فضای حاصل از ارجاع به دیگر متون، افقهای انتظاری یا بازتاب سخنها دیگران در متن.

فضا به مثابه کنشگر

در بسیاری از روایتها، فضا نه تنها بستر کنش بلکه عنصر کنشگر است؛ فضایی که بر روان شخصیتها اثر می‌گذارد، مسیر رویدادها را تعیین میکند و حتی هویت شخصیتها را می‌سازد. این رویکرد، بیش از همه در نظریه‌های پس‌اساختارگرا و روایت‌پژوهی فرهنگی مطرح شده است (Soja, 1996: 112)

¹ space

² narrative setting

³ Physical Space

⁴ Mental Space

⁵ Ideological Space

فضا و روایتگری^۱

ژرار ژنت و میک بال تأکید دارند که فضا در روایت تابع نحوه روایتگری است؛ یعنی زاویه دید، زمان‌بندی و گفتمان روایی بر چگونگی بازنمایی فضا تأثیر مستقیم دارد (Bal, 2009: 14). به عبارتی، فضا از خلال زبان، توصیف و انتخابهای روایی شکل میگیرد، نه به صورت عینی و بیطرفانه.

تحلیل فضا در پیوند با نظریه گفتمان

با تکیه بر نظریه‌های گفتمان (به‌ویژه فوکو و بارت)، فضا در روایت میتواند حامل ساختارهای قدرت، مقاومت، طبقه، جنسیت و سلطه باشد. فضا در این دیدگاه، محل درگیری گفتمانهای متضاد است؛ جایی که شخصیتها از خلال حرکت یا توقف، انزوا یا پیوند، تجربه‌ی حضور در جهان را سامان میدهند. (Foucault, 1980: 70)

تلفیق نظریه فضا با ساختگرایی تکوینی

در تلفیق با نظریه گلدمن، میتوان فضا را صورت تکوین‌یافته آگاهی ممکن دانست؛ یعنی فضاسازی در روایت، شیوه‌ای است که نویسنده از طریق آن، ساخت ذهنی طبقه یا گروه اجتماعی خود را در سطح داستانی بازنمایی میکند. در این چارچوب، فضا محل تلاقی ساخت ذهنی (نویسنده)، ساخت اجتماعی (گروه مرجع) و ساخت روایی (داستان) است.

چارچوب نظری تلفیقی برای تحلیل فضاسازی روایی

پس از بررسی مبانی ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن و مرور نظریه‌های روایت و فضا، اکنون میتوان چارچوبی تلفیقی برای تحلیل فضاسازی در رمانها ارائه داد؛ چارچوبی که هم به ساخت اجتماعی-ذهنی مؤلف توجه دارد و هم به ساختار درونی روایت. این چارچوب، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه فضاسازی در رمانها بازتاب‌دهنده ساخت ذهنی طبقه اجتماعی نویسنده و مشارکت در گفتمانهای معاصر است.

پیوند سه‌سویه ساخت ذهنی، فضا و روایت

در نظریه‌ی گلدمن، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده شکل اثر هنری، ساخت ذهنی یا آگاهی ممکن یک گروه اجتماعی است (Goldmann, 1975: 88). این آگاهی ممکن، از طریق عناصر ساختاری روایت (شخصیت، کنش، زمان، فضا) در سطح اثر بازتاب مییابد. از این منظر، فضا نه تنها بستر کنش بلکه شکل‌یافتگی آگاهی طبقه خالق اثر است. برای مثال، فضای انزوا و گسست در یک رمان کودک یا نوجوان، ممکن است برآمده از ذهنیتی باشد که در جامعه‌ای پرتنش و سرکوب‌شده زیست میکند؛ یا فضای حرکت و کشف، بیانگر نوعی میل به رهایی و معناست.

ابعاد شش‌گانه‌ی تحلیلی فضاسازی

با تکیه بر ترکیب مفاهیم گلدمن و روایت‌شناسی، شش محور تحلیلی زیر برای تحلیل فضاسازی روایی در این پژوهش در نظر گرفته میشود:

۱. کنش جمعی و آگاهی ممکن: آیا فضا بازتاب‌دهنده کنش گروهی و افق ذهنی جمعی است؟ فضای روایت چگونه امکان یا ناکامی کنش را شکل میدهد؟
۲. بازتاب ایدئولوژی مسلط و مقاومت: فضا چه رابطه‌ای با گفتمان قدرت دارد؟ آیا فضا خنثی است یا حامل مقاومت و نقد است؟
۳. زمینه اجتماعی-تاریخی: فضا چگونه با بافت تاریخی و اجتماعی روایت پیوند دارد؟ آیا نشانگر طبقه، بحران، جنگ، یا مهاجرت است؟

^۱ Narrativity

۴. زبان و سبک فضا‌سازی: فضا با چه زبانی توصیف میشود؟ آیا سبک، شاعرانه، گزارش گونه، ذهنی یا عینی است؟
۵. ناکامی کنش و بحران معنا: فضا تا چه اندازه نشانگر انسداد، تکرار، ایستایی یا بحران کنش است؟
۶. نقش نهادهای اجتماعی در فضا‌سازی: آیا نهادهایی چون خانواده، مدرسه، دین، سیاست و اقتصاد در شکل‌گیری فضا اثر گذارند؟

الگوی تحلیلی

در تحلیل هر رمان، با بررسی فضا‌سازی بر اساس این شش محور، نسبت آن با ساخت ذهنی نویسنده و گروه اجتماعی او مشخص میشود.

مزیت رویکرد تلفیقی

این چارچوب، ضمن بهره‌گیری از دقت روایت‌شناسی در سطح ساختار، از عمق جامعه‌شناسی گلدمن در سطح تفسیر نیز برخوردار است؛ از این‌رو، تحلیل فضا، به فهم بهتر از «جهان‌نگری روایی» و «ایدئولوژی درون‌متن» کمک خواهد کرد (Jameson, 1981: 74).

جایگاه نظریه گلدمن در گفتمان ادبیات کودک و نوجوان

نظریه‌ی ساختگرایی تکوینی، در نگاه نخست نظریه‌ای مربوط به متون بزرگسالان و آثار فلسفی-اجتماعی به‌نظر می‌رسد، اما از آن‌جا که این نظریه بر رابطه‌ی دیالکتیکی فرد/ساختار تأکید دارد، کاملاً قابل انطباق با ادبیات کودک و نوجوان است، به‌ویژه در شرایطی که:

- شخصیتهای نوجوان، به‌طور ذاتی در حال کشمکش با ساختهای خانوادگی، آموزشی و اجتماعی‌اند؛
- فضای داستانی در این آثار، اغلب نشانگر نوعی «محدودیت ساختاری» (مثل پرورشگاه، جنگ، فقر، مرز، مهاجرت) است؛

- جهان‌نگری نویسنده یا طبقه اجتماعی او از طریق فرم، به‌ویژه فضا‌سازی، به مخاطب منتقل میشود.
ادبیات کودک و نوجوان، برخلاف ظاهر ساده و احساسی‌اش، حامل جهان‌بینی‌ای عمیق دربارهٔ عدالت، نابرابری، قدرت، و امید است.

نظریهٔ گلدمن به پژوهشگر امکان میدهد این جهان‌بینی نهفته در فضا، فرم و روایت را شناسایی و تحلیل کند و از سطح محتوا به لایه‌های ساختاری برسد.

گلدمن، با رویکردی جامعه‌محور، اثر ادبی را محصول یک «سوژه‌ی جمعی» و حامل «جهان‌نگری» گروه اجتماعی خاصی میداند که در ساختار درونی اثر، از جمله در سطح روایت و فضا، بازتاب می‌یابد. بر این مبنا، تحلیل ساختارهای روایی و فضایی آثار روشی برای بازسازی معنا و جهت‌گیریهای ایدئولوژیک متن در بستر اجتماعی آن است از سوی دیگر، تلفیق نظریهٔ گلدمن با روایت‌شناسی ژنت و باختین، و همچنین تحلیل فضا از منظر لوفور، لوتمن و سوجا، امکان خوانشی چندلایه از متن را فراهم می‌آورد؛ خوانشی که نه تنها سطوح ساختاری روایت را میکاود، بلکه معنا‌سازی در فضا را به مثابه کنش اجتماعی، ذهنی و ایدئولوژیک تحلیل میکند در این میان، عنصر «فضا‌سازی» در ادبیات کودک و نوجوان، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ چراکه نه فقط زمینهٔ روایت، بلکه افقهای ذهنی و هویتی مخاطب را نیز شکل میدهد. فضاهای بسته یا گشوده، نظم‌مند یا آشفته، آشنا یا بیگانه، در متنهاى مورد بررسی، بازتابی از تنشهای اجتماعی، ارزشی و نسلی هستند که شخصیتها را درگیر کرده و معنا را درون ساختاری اجتماعی-تاریخی سامان میدهند. بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر سه بنیان استوار است:

۱- نظریه ساختگرایی تکوینی به‌منزلهٔ محور اصلی تحلیل، با تأکید بر مفاهیمی چون آگاهی ممکن، کنش جمعی، ساخت ذهنی و جهان‌نگری طبقه اجتماعی.

۲- این نظریه به پژوهش امکان می‌دهد ساختار درونی روایتها را در پیوند با زمینه‌های اجتماعی-تاریخی نویسندگان بررسی کند. ۳- نظریه‌های روایت‌شناسی که در این پژوهش به کار گرفته می‌شوند، به درک بهتر سازوکارهای روایی، زاویه دید، روایت ذهنی، کارکرد شخصیت و الگوهای زمانی-مکانی در داستان کمک می‌کنند. به‌عنوان نمونه، در «زیبا صدایم کن»، استفاده از زاویه دید سوم‌شخص محدود به ذهن شخصیت اصلی و روایت غیرخطی، نقشی اساسی در شکلگیری فضا و هویت ایفا می‌کند.

۴- نظریه‌های تولید فضا (از جمله دیدگاه‌های هنری لوفور و فوکو) که به‌ویژه در تحلیل فضاسازی در روایت کاربرد دارند. بر این مبنا، فضا نه‌فقط پس‌زمینه‌ای برای وقوع رویدادها، بلکه ساختاری معنا ساز، حامل قدرت، و بازتاب‌دهندهٔ موقعیت طبقاتی و ایدئولوژیک است.

تبیین ساختارهای اجتماعی در یک اثر بدون توجه به مبانی جامعه‌شناسی امکانپذیر نخواهد بود. از این رو پیش از پرداختن به تحلیل این رمان به تبیین مبانی جامعه‌شناسی ادبیات می‌پردازیم.

جامعه‌شناسی ادبیات

هر اثر ادبی به یک جهان‌بینی متکی است، به این معنا که نویسنده برجسته با اطلاع از خواسته‌ها و اندیشه‌های گروهی که در آن زندگی میکند، با بیشترین آگاهی ممکن خود به جهان‌بینی موجود وحدت می‌بخشد» (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

ساختار متن

ساختار به روابط بین واقعیت‌های اجتماعی و ادبی اشاره دارد تا مقولاتی را که همزمان هم آگاهی تجربی یک گروه اجتماعی را سازمان می‌دهند و هم دنیای تخیلی خلق شده به دست نویسنده را در برگیرند (طلوعی، ۱۳۸۶، ص ۶). «ساختار متن در رویکرد ساختگرایی تکوینی، روی شخصیت‌ها تمرکز میکند و به واسطه این شخصیتها روابط متقابل بین ساختار اجتماعی با ساختار اثر ادبی به وسیله نویسنده شناخته میشود» (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۶۹) لوسین گلدمن با ایجاد پیوند میان مناسبات و روابط کلامی در یک ساختار به ساختارهای ذهنی پایبند است.

ساختارهای ذهنی

از نظر گلدمن معنای ساختارهای ذهنی گروه اجتماعی در واقع آگاهی متبلور جمعی است که در پیوند نزدیک با عمل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در درون مجموع جامعه پرورده شده است (گلدمن، ۱۳۷۷، صص ۸۶-۸۵). کشف معنا از لابه‌لای ساختارهای کلامی، نیاز به روش‌ها و شیوه‌های علمی دارد از این رو میبایست با تکیه بر شیوه‌نامه‌های علمی و روشهای تحقیق به بررسی و موشکافی متن‌ها پرداخت. خاصه اینکه باور داشته باشیم، ادبیات «روبه‌رو شدن با افراد گوناگون و آشنا شدن با دیدگاه‌ها، نظریات، اندیشه‌ها و ذهنیهایی متفاوت» است (لازار، ۱۳۸۰، ص ۱۲) که «تجربه انسانی را در اختیار همه می‌گذارد» (تایسن، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

یکی از شیوه‌های علمی و نمونه‌های عملی در پژوهش‌های ادبی، نقد جامعه‌شناختی است؛ زیرا به خوبی روشن است که نویسنده «پیش از آن که هنرمند باشد، انسان است و انسان موجودی است جامعه‌زاد و جامعه‌زی. از هنگام تولد به گستردگی و فراوانی از جامعه و دستاوردهای مادی و معنوی چندین هزارساله بشریت و به ویژه فرهنگ و خرده فرهنگ محیط خود استفاده میکند و با بهره‌یابی همه جانبه از میراث فرهنگی برومند میگردد و سپس خود نیز با آفرینشهای کم و بیش به سهم خود به غنای فرهنگی جامعه مدد میرساند و از راه فرهنگسازی

به حرکت درنگ‌ناپذیر اجتماعی شتاب میبخشد» (ترابی، ص ۲۰). انعکاس حقایق اجتماعی در متون ادبی باعث پیدایش دانشی نو تحت عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» شده است. جامعه‌شناسی ادبیات، رویکردی تازه در عرصه مطالعات جامعه‌شناسی آثار ادبی و با نظر به واقعیتهای تاریخی از خلال متون ادبی و نیز تجزیه، تحلیل و بررسی پدیده ادبی در جنبه‌های مختلف آن است. جامعه‌شناسی ادبیات یکی از گرایشهای نوین در نقد ادبی است که با رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی ادبیات به بحث درباره تعامل جامعه و ادبیات میپردازد. جامعه‌شناسی ادبیات درباره ارتباط آثار ادبی و ساختار جامعه بحث میکند. «جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان دانش اجتماعی به بررسی ادبیات، این بخش از شعور اجتماع میپردازد و با روش علمی، جوهر اجتماعی آثار ادبی، شرایط و مقتضیات، محیط دربرگیرنده، پرورنده شاعر و نویسنده و جهان‌بینی و موضع فکری و فرهنگی آنان، مباحث و موضوعات و سفارشهای اجتماعی مورد توجه آثار ادبی را مورد مطالعه قرار میدهد» (ولک و وارن، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰). با عنایت به آنچه ذکر شد میتوان جامعه‌شناسی ادبی لوسین با عنایت به مبانی ساختارگرایی این گونه معرفی نمود.

جامعه‌شناسی لوسین گلدمن

یکی از رویکردهای نقد در جامعه‌شناسی ادبیات، رویکرد ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن است. که در یک سخن، به بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف بر اساس متن تولید شده در جوامع مورد نظر میپردازد. از نگاه لوسین گلدمن، نظر به اینکه ادیب، نویسنده، شاعر و هنرمند، در بین مردم زندگی کرده است، «معلومات، اطلاعات و اندوخته‌های ذهنی که در زمینه‌های مختلف به دست می‌آورد، نتیجه تجربه و زندگی او با مردم و محیطش است» (سیدطاهرالدینی، ۱۳۹۳، ص ۱۱). زیرا جامعه‌شناسی ادبیات بر این گزاره علمی تأکید میکند، که آداب و رسوم و فرهنگ جامعه در ذهن نویسنده و هنرمند منعکس شده و او این عناصر را از منشور فکر و اندیشه و آرمان بلند انسانی خود میگذراند و پردازش میکند (همان).

ساختگرایی تکوینی

ساختگرایی تکوینی رهیافتی است که محل تمرکزش بررسی شرایط و فرایندهای اجتماعی وابسته به خلق ادبیات مارکسیستی و ملهم از لوکاس جوان است که طی آن متن ادبی به منزله ابزاری برای بررسی جامعه‌شناختی به کار میرود تا منش تاریخی- اجتماعی و دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده را بررسی کند (گلدمن، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱).

متون ادبی با شیوه‌های مختلف قابل درک و دریافت هستند، در این میان بررسی نظریه‌محور آثار ادبی، بیش از پیش ضرورت دارد. در رویکرد لوسین گلدمن، آثار ادبی را در دو مرحله و به شکل کلی مورد بررسی قرار میدهند، در حالت اول، ساختار متن در خود متن بررسی میشود، که به اصطلاح لوسین گلدمن، دریافت نام دارد، «دریافت نوعی تحلیل درون متنی است برای رسیدن به ساختار معنادار جامع و حقیقی متن» (گلدمن، ۱۳۸۰، ص ۳۴۷) و در واقعیت این مرحله از حیث بررسی سبکشناسی متن همان است که از نقطه نظر لوسین گلدمن، «نقد ادبی سنتی معمولاً به همین مراحل بسنده میکند» (همان: ۲۹۹). به همین دلیل در این مرحله از بررسی متن به ساختار متن در خود «متن از حیث زبانی و دستوری و بلاغی پرداخته میشود و اگر متن، اثر داستانی صرف باشد، به عناصر داستانی آن نیز میتوان پرداخت و از حیث فکری به باورها و جهان‌بینیهای نهفته در آن هم باید به دنبال شاهد مثال بود و در یک کلام «دریافت از رهگذر سطوح مختلف صورت میپذیرد» (همان: ۲۹۸). یا به تعبیری روشنتر و کوتاه در مرحله دریافت به فرم توجه میکنیم.

در دومین سطح بررسی که تشریح نام دارد، ساختار متن را در ساختارهای اجتماعی بررسی میکنند. در حقیقت در این بعد که تکیه اصلی لوسین گلدمن نیز بر آن است، «ساختار معنادار اثر ادبی در یک ساختار معنادار بزرگتر و جامع‌تر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمان تحریر اثر گنجانده میشود» (گلدمن، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶)، به این معنا که از فحوا و بافت متن به مسائل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زمان تحریر اثر پرداخته میشود. در حقیقت این سطح، حد واسط میان متن و کردار اجتماعی است» (سلطانی‌فر، ۱۳۹۴، ص ۶۶) و «بازآفرینی محتوای آگاهی جمعی» (گلدمن، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶) است، بدین طریق، با متن به عنوان یک دلالت عینی و معنایی، مانند کنش و کردار اجتماعی برخورد میشود. در این سطح همه زوایای جامعه از حیث سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به سخنی دیگر «در مرحله دوم باید این ساختار معنادار را در ساختار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی یک طبقه یا گروه و در نهایت جامعه قرار داد. این مرحله را فرایند توضیح یا تشریح مینامند» (گلدمن، ۱۳۸۰، ص: ۳۴۷-۳۴۸). برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این سطح، مطالعه و تأمل در تاریخ اقتصادی- اجتماعی و سیاسی محدوده زمانی که نویسنده و اثر در آن ساخته و پرداخته شده است، با استفاده از کتابها، مقالات و اسناد معتبر، کاری است که خود بازتاب بهره‌مندی از تکنیک پژوهش تاریخی و نیز ابزار آن میباشد. البته ناگفته نماند، پژوهشگر در این سطح باید به خود متن تکیه کند؛ زیرا دومین سطح به مدلول‌ها مربوط میشود (همان: ۲۹۸) و برای تحلیل محتوای اثر، باید در پی دلالتها بود. در این سطح از بررسی به واسطه این که از نقطه نظر الگوی روش‌شناختی مورد استفاده در این تحقیق، نویسنده در واقع جهان‌نگری یک گروه یا طبقه اجتماعی خاص را در آثار خود بازتاب میدهد و آفرینشگر اثر ادبی نه یک فرد بلکه یک طبقه یا گروه اجتماعی میباشد بنابراین تشریح، گروه اجتماعی یا طبقه مورد نظر و زمینه تاریخی جهان‌نگری و مناسباتش با طبقات و گروه‌های دیگر اجتماعی با توسل به تکنیک تاریخی جمع‌آوری داده‌ها، کالبد شکافی و ارائه میشود» (قبادی سامیان، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

همچنان که پیش از این اشاره شد، در نظریه ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن کل، یک اثر در دو مرحله دریافت و تشریح بررسی میشود: در مرحله اول (دریافت) بررسی میشود و در مرحله دوم به (تشریح) میپردازیم. «تشریح یعنی گنجاندن ساختار معنادار اثر در ساختار فراگیر اجتماعی» (گلدمن، ۱۳۸۰، ص ۷۵) برای بررسی جامعه‌شناسانه یک اثر ادبی، از یک سو باید ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که باعث تبیین فضای اجتماعی دوران خلق اثر و نیز ذهنیت اجتماعی خالق اثر میشوند، مدنظر قرار داد و از سوی دیگر با مطالعه دقیق اثر ادبی از درونمایه‌ها، سمبلها و به طور کلی زبان اثر به شناخت جامعه و اوضاع اجتماعی پرداخت و این همان ارتباط دوسویه‌ای است که تأیید میکند جامعه‌شناسی ادبیات حاصل پیوندی است استوار میان جامعه‌شناسی از یک سو و ادبیات از سوی دیگر یا به تعبیری دیگر، ادبیات هر عصری زبان حال مردمان همان عصر است «ادبیات زبان گویای جامعه است» (باربری؛ به نقل از رضی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۳۵). چون هنر «همواره و مخصوصاً در آغاز با همه فعالیت‌های زندگی انسان همراه بوده است، هیچگاه نمیتوان پوشش‌های هنری را برکنار از سایر جلوه‌های زندگی بررسی کرد بنابراین در پژوهش‌های مربوط به جامعه‌شناسی ادبیات خاستگاه و سیر هنرها و ساخت و کارکرد هر یک از آنها در زمینه عمومی زندگی انسانی مورد شناسایی قرار میگیرند» (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۵). مجموعه قواعد و نشانه‌های اثر به هیچ رو درونی و مقدم بر ساختار اجتماعی نیست بلکه برعکس حاصل دگرگونیهای جامع اجتماعی است (پاسکادی، ۱۳۷۶، ص ۶۸) به همین خاطر لوسین گلدمن «برای مطالعه واقعیتهای انسانی اجتماعی، روش ساختگرایی تکوینی را پی‌گرفت. ساختگرایی تکوینی، یعنی بحث و دقت در ساختهایی که اثر را

به وجود می‌آورد» (گلدمن، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳). «ساخت‌ها و گفتمان‌هایی که به متون اجازه می‌دهد معنا داشته باشند» (تایسن، ۱۳۸۷، ص ۳۵۵) در واقع «باور به پیوستگی متن با فرامتن از مؤلفه‌های نظریه ساختگرایی تکوینی است؛ فرا متنی که میتواند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک باشد» (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۸۶-۸۷) مسئله «بازتاب و انعکاس وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... در آثار ادبی همواره مورد توجه اندیشمندان بزرگ قرار گرفته است» (مختاری، ص ۱۳۹۸: ۲۸۶). بررسی متون بر این است که چگونه موقعیت تاریخی یک گروه یا طبقه اجتماعی به میانجیگری جهان بینی آن طبقه در ادبیات انعکاس مییابد پس هر اثر ادبی از این رو که ساختار اجتماعی و تاریخی دوره‌ای را در خود منعکس میکند سند تاریخی مهمی در بررسی و تحلیل دورانی از جامعه محسوب میشود (عسگری و شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

در روش ساختارگرایی گلدمن (دریافت و تشریح) اثر، اصالت با تشریح است؛ چون پژوهشگر در مرحله دریافت بیشتر به ویژگیهای ظاهری و آرایه‌های موجود در اثر میپردازد و داده‌های متون را محتوای صرف تلقی میکند؛ اما در مرحله تشریح با اتکا بر بصیرت درون‌بینانه به تبیین معنا و تعبیر هر یک از داده‌های اثر میپردازد که خاستگاه معرفتی و منش تاریخی عصر نویسنده را بیان میکند؛ بنابراین «متن اثر، تابعی است از معنا و اگر نویسنده‌ای واقعیت‌ها را به طرز متفاوتی ابراز می‌دارد، دلیلش آن است که خود این واقعیت‌ها اساساً تغییر کرده‌اند و نویسنده نمیتواند برای بیان آن‌ها طرزی معمول را به کار گیرد» (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴). با این دیدگاه متن به خودی خود منبع جامعه‌شناختی است که مشخصاً به فهم ارتباطات بین فرهنگ خلق ادبی و جهان اجتماعی از طریق روابط ارزشی منجر میشود. نویسنده از این منظر منتقدی است که خود را در تضاد با ساختارهای هنجاری پذیرفته شده و معمول احساس میکند و کمر به جنگ با آنها میبندد؛ نویسنده آنچه را آرزو میکند که در جهان راستین پدید آید بیان میکند. بر این اساس گزارش او جهان‌بینی و اندیشه‌شناسی لایه، طبقه یا گروه اجتماعی است از همین رو، اثر نویسنده با این یا آن مقوله اجتماعی وابسته میشود. نویسنده بی‌آنکه از مکانیسم کار خود آگاه باشد، گزارشگر راستین وقایع اجتماعی است. او میتواند با تخیل خود داستان اثرش را بیافریند؛ اما هرگز نخواهد توانست ارزش‌ها و قانون‌هایی را که بر زندگی قهرمانان داستان خود فرمانروایند اختراع کند (همان، ۱۳۷۱، ص ۳۵۷).

«تعدد و تنوع تأویل را به سبب بافت حاکم بر قرائت متن می‌توان پذیرفت؛ اما هر تأویل یا تفسیری تا آنجا پذیرفتنی است که منطق زبانی و ساختاری متن را بپذیرد. صحت این پذیرش را دقت و دانش مفسر است که از طریق اندوخته‌های گسترده‌ی بیرون از متن و مجموعه‌ی نشانه‌ها و روابط درون‌متنی میتواند تأکید کند» (پورنامداریان، ۱۳۹۴، ص ۲۶)

یکی از مفاهیم اساسی نظریه گلدمن، ساختار معنادار است. ساختار، معادل نظام است «نوع هماهنگی اجزای یک نظام» (تودوروف، ۱۳۹۳، ص ۱۸) در یک نظام کارکرد اجزا به هم مرتبط است؛ در نتیجه شناخت کل مجموعه منوط به شناخت اجزا و شناخت اجزا در گرو شناخت کل مجموعه است. بدین ترتیب گلدمن به سراغ اجزای سازنده‌ی اثر ادبی رفته و در صدد کشف و تبیین این ساختارهای معنادار است به نظر گلدمن، هر اثر ادبی یک نظام مفهومی در بر دارد که می‌توان آن را به نحوی همخوان با ساختار معنادار اثر معین کرد. «این نظام»، بیان خود را در ساختار معنادار اثر مییابد به اصطلاح رولان بارت ساختاری از مدلولهاست، این نظام دو کارکرد دارد: از سویی وحدت اثر را میسازد و از سویی جهان‌نگری، یعنی آگاهی یک گروه اجتماعی را بیان میکند. اثر ادبی آفریده فردی نویسنده نیست؛ بلکه آگاهی جمعی، منافع و ارزشهای اجتماعی گروه یا طبقه را نشان میدهد (عاملی رضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵) گلدمن در این باره میگوید: «اثر هنری دنیایی کامل است که به ارزشگذاری، موضعگیری و

توصیف می‌پردازد و وجود بعضی از چیزها را تأیید میکند، هنگامی که این دنیای کامل را تعبیر و تفسیر می‌کنیم، درمی‌یابیم که نظام فلسفی، پیامد آن است» (گلدمن، ۱۳۷۶، ص: ۲۷۰).

تحلیل ساختاری رمان «زیبا صدایم کن»

فرهاد حسن‌زاده، نویسنده برجسته ادبیات کودک و نوجوان ایران، در سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد. وی در نوجوانی به علت وقوع جنگ ایران و عراق به همراه خانواده به شیراز مهاجرت کرد و بعدها در تهران ساکن شد. حسن‌زاده فعالیت نویسندگی خود را از دهه شصت آغاز کرد و به مرور با آثار متعددی در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان شناخته شد. او علاوه بر نویسندگی، تجربه‌هایی در روزنامه‌نگاری و طنزنویسی نیز دارد (نیک‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۴۵). از مهم‌ترین ویژگی‌های کارنامه هنری حسن‌زاده، تنوع در ژانرها، توجه به مسائل اجتماعی، و رویکرد خلاقانه به روایت‌های نوجوانانه است. حسن‌زاده در سالهای اخیر نامزد دریافت جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن شد و همین امر سبب شد که نام او در عرصه جهانی نیز مطرح شود (انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، ۱۳۹۷).

سبک نوشتاری و ویژگی‌های روایی

سبک نوشتاری فرهاد حسن‌زاده را میتوان تلفیقی از واقع‌گرایی اجتماعی، طنز گزنده، زبانی ساده و روان، و نگاهی فلسفی دانست. او در داستانهایش، شخصیت‌هایی باورپذیر و زنده خلق میکند که اغلب با بحرانهای اجتماعی، خانوادگی و هویتی روبه‌رو هستند. صدای راوی در آثار او معمولاً نزدیک به ذهن نوجوان است؛ بی‌واسطه، صادقانه و اغلب با نگاهی انتقادی به ساختارهای سنتی، نابرابریها یا هنجارهای تحمیلی (علی‌اکبری، ۱۳۹۸، ص ۲۲). در آثار حسن‌زاده نوعی جسارت روایی دیده میشود که به او امکان میدهد درباره موضوعاتی چون فقر، جنگ، مهاجرت، طلاق، کودکان کار، نابرابری جنسیتی و حتی مرگ با مخاطب نوجوان گفت‌وگو کند؛ بی‌آنکه در دام شعارزدگی یا اندرزگویی بیفتد. در بسیاری از آثار حسن‌زاده، به‌ویژه رمانهایش، دغدغه عدالت اجتماعی، بحران هویت، فقر، تجربه‌های زیسته‌ی کودکان در طبقات فرودست جامعه و اثرات جنگ دیده میشود. زیبا صدایم کن، به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از این نوع نوشتار، روایتی صمیمی از نوجوانی درگیر با گذشته‌ای تاریک و آینده‌ای نامعلوم است.

فرهاد حسن‌زاده نویسنده‌ای پرکار است و آثار متعددی در حوزه داستان، رمان، طنز و مقاله برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان نوشته است. برخی از مهمترین آثار او عبارت‌اند از: زیبا صدایم کن (۱۳۹۵) – برگزیده‌ی جایزه کتاب سال، معرفی شده به جایزه آسترید لیندگرن، هستی (۱۳۹۱) – اثر تحسین‌شده درباره جنگ و نوجوانی، ماجرای روباه و زنبور، مار و پله، سنگهای آرزو و... بسیاری از آثار او به زبانهای انگلیسی، عربی، آلمانی و ترکی ترجمه شده‌اند و در جشنواره‌های جهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

فرهاد حسن‌زاده را میتوان یکی از برجسته‌ترین و جسورترین نویسندگان ادبیات نوجوان امروز ایران دانست؛ کسی که توانسته است با عبور از روایت‌های کلیشه‌ای و پرداختن به واقعیتهای تلخ و پیچیده جامعه، پلی میان ادبیات جدی و جهان نوجوانی بسازد. سبک شخصی او، انتخاب مضامین دشوار، و رویکرد انسان‌گرایانه‌اش، موجب شده است تا منتقدان، آثار او را در تراز جهانی ارزیابی کنند (یوسفی، ۱۳۹۹، ص ۹۵).

معرفی و خلاصه داستان

رمان «زیبا صدایم کن» روایت زندگی دختری بی‌نام در یک آسایشگاه شبانه‌روزی است؛ دختری که در کودکی رها شده و اکنون در بستری از بی‌هویتی، خاموشی و فراموشی زندگی میکند. نام او در پرونده‌ها فقط یک عدد است: ۴۲۳. اما او در دل خود، نامی برای خود دارد: «زیبا».

داستان با ورود یک فیلمساز به آسایشگاه آغاز میشود؛ کسی که قصد دارد با کودکان آنجا مصاحبه کند و صدای آنها را بشنود. زیبا، که مدتی است سکوت کرده، در جریان این اتفاق، آرام‌آرام به سمت حرف‌زدن، تعریف خود و احیای هویتش پیش میرود. تلاش زیبا برای بیان نامش و انتخاب مجدد هویت، هسته مرکزی داستان را میسازد. «زیبا دلش می‌خواست کسی او را صدا بزند؛ نه با عدد، نه با پرونده. با اسم. فقط با اسمش: زیبا» (حسن‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۸)

لحظه‌ای که او نام خود را با صدایی لرزان بیان میکند، گرچه فضای بیرونی را دگرگون نمیکند، اما نقطه عطفی در احیای فردیت و خودآگاهی اوست.

شخصیتها و عملکرد هر یک

زیبا: شخصیت اصلی؛ دختری بی‌هویت و ساکت که در روند داستان، هویت خود را بازسازی و بازگو میکند. او نماینده صدای خاموش‌شده بسیاری از کودکان بی‌پناه است. مربی آسایشگاه: چهره‌ای سرد و نهادینه‌شده، نماینده نظام بوروکراتیک و غیرعاطفی. رفتار او بخشی از ساختار سرکوبگر نهاد است.

فیلم‌ساز: شخصیت بیرونی که نظم بسته آسایشگاه را مختل میکند. نقش او در ایجاد امکان بیان، کلیدی است. کودکان دیگر: نماینده وضعیت مشابه زیبا؛ بی‌نام، بی‌صدا، و در جست‌وجوی توجه.

ویژگیهای سبکی و روایی اثر

ویژگیهای سبکی و روایی رمان زیبا صدایم کن از فرهاد حسن‌زاده به شکلی است که با زبان ساده و صمیمی خود، ارتباطی عمیق با مخاطب برقرار میکند.

این رمان از بیان احساسات و کشمکشهای درونی شخصیتها بهره میبرد. این ویژگیها باعث میشود تا داستان برای مخاطب جوان و حتی بزرگسال قابل درک باشد. نویسنده از واژگان ساده و بدون پیچیدگیهای دستوری استفاده میکند تا احساسات و روابط انسانی را به‌طور طبیعی و بی‌پیرایه به تصویر بکشد.

راوی این داستان زیبا، دختر پانزده‌ساله‌ای است که خود شاهد وقایع است و از زبان اول‌شخص روایت میشود. این انتخاب، فرصتی میدهد که خواننده به‌طور مستقیم با افکار، احساسات، و تکاپوهای درونی شخصیت اصلی آشنا شود. خواننده از طریق ذهن و زبان زیبا، درگیر احساسات و مشکلات او میشود و بیشتر به مشکلات و مسائل شخصی او در تعامل با پدرش نزدیک میشود.

روایت داستان در یک زمان حال و پیوسته قرار دارد که به وقوع هرچه بیشتر اتفاقات و به‌ویژه موقعیتهای هیجانی و بحرانی داستان کمک میکند. زمان روایت که به‌طور عمده در یک دوره زمانی کوتاه قرار دارد، باعث افزایش شدت بحرانیهای شخصیتها میشود.

این رمان با استفاده از تکنیکهای خاصی همچون بازگشت به گذشته و تداعی آزاد، تلاش میکند تا پیچیدگیهای درونی شخصیتها و موقعیتهای آنها را نشان دهد. زیبا گهگاه به یادآوری دوران گذشته، دوران کودکی و رویدادهایی که به بحران کنونی او مرتبط هستند، میپردازد. این ساختار به ایجاد عمق در شخصیت‌پردازی و فهم بهتر مسائل ذهنی و روانی شخصیتها کمک میکند.

در این رمان، فضای داستان به‌ویژه در مواقعی که زیبا با پدرش در حال درگیری است، به‌دقت توصیف می‌شود. نویسنده با استفاده از توصیف‌های ساده اما مؤثر، محیط‌های مختلف همچون آسایشگاه، خیابان، و فضاهای شخصی زیبا را به شکلی ملموس به تصویر میکشد. این فضاها به‌طور مستقیم بر وضعیت روانی شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارند و شدت بحران‌ها را افزایش می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این رمان، تحلیل روانشناسانه شخصیت‌ها به‌ویژه زیبا و پدرش است. نویسنده به‌خوبی وضعیت روانی هر دو شخصیت را به‌خصوص در مواجهه با مشکلات بیرونی و درونی آنها به تصویر میکشد. پدر با مشکلات روانی‌اش، نوسانات خلقی و حالت‌های جنون‌آمیزش، یک شخصیت چندلایه را می‌سازد که در کنار زیبا که در جستجوی هویت خود و در تلاش برای برقراری ارتباط با پدرش است، تحولی پیچیده در داستان ایجاد می‌کند.

در این اثر، تعارضات درونی زیبا به‌ویژه در مواجهه با رفتار غیرقابل پیش‌بینی پدرش، به‌شدت احساس می‌شود. واکنش‌های زیبا که گاهی با همدستی پدر و گاهی با پشیمانی همراه است، هویت و شخصیت او را در مسیر خودشناسی و درک موقعیت‌های مختلف زندگی‌اش بازسازی می‌کند. این ویژگی باعث می‌شود تا داستان عمیق‌تر از یک روایت ساده خانوادگی به‌نظر برسد و با بازتاب مسائل اجتماعی، روانی، و فردی، خواننده را به تفکر وا دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های روایی برجسته در این اثر، استفاده از تنش و تعلیق در موقعیت‌های بحرانی است. نویسنده با استفاده از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی پدر و وضعیت روانی ناپایدار او، تنش‌های زیادی در داستان ایجاد می‌کند که تا پایان داستان ادامه دارند. این امر باعث می‌شود که خواننده به‌طور مداوم در حالت تنش و انتظار برای نتیجه‌گیری قرار گیرد.

پایان رمان زیبا صدایم کن به‌گونه‌ای است که پایان آن باز میماند و خواننده نمی‌تواند به‌راحتی درباره سرنوشت نهایی شخصیت‌ها قضاوت کند. این پایان باز، خواننده را به تفکر بیشتر درباره تصمیم‌ها و آینده شخصیت‌ها وامیدارد و به‌نوعی پیامدهای اجتماعی و فردی تصمیمات زیبا و پدرش را به چالش میکشد.

عناصر داستان در رمان «زیبا صدایم کن»

۱- زمان داستان

روایت در زمان حال پیش می‌رود، اما سرشار از فلاشبک‌ها و بازگشت به گذشته است؛ گذشته‌ای مملو از رنج‌های شخصی، رهاشدگی و ترس.

«زیبا نمیدانست چند سالش بود وقتی مادرش او را کنار آسایشگاه گذاشت و رفت. فقط سرمای شب و صدای سگ‌ها در گوشش مانده بود» (ص ۱۵) این جمله نشان می‌دهد که چگونه گذشته، همچنان در زمان حال شخصیت جاری است.

۲- مکان داستان

آسایشگاه معلولان، فضای غالب داستان است؛ محیطی بسته، کنترل‌شده، با دیوارهایی بلند که آزادی‌های فردی شخصیت‌ها را محدود می‌کند. همچنین گاهی اشاره‌هایی به فضای بیرونی (خیابان، ماشین، سینما) دیده می‌شود.

«در آسایشگاه مثل همیشه قفل بود. زیبا می‌توانست مسیر کلید خوردن قفل را از حفظ بگوید. صدای تق، تق، کلید، مثل تپش دلش بود» (ص ۲۲)

فضا حس حبس، تنهایی و انزوا را بازتاب می‌دهد.

۳- زاویه دید

روایت با زاویه دید سوم شخص محدود به ذهن زیبا نوشته شده است. مخاطب فقط با دنیای درونی زیبا مواجه میشود و از درون به اضطرابها و رؤیاهایش دسترسی دارد.

«زیبا دلش میخواست کسی او را صدا بزند؛ نه با عدد، نه با پرونده. با اسم. فقط با اسمش: زیبا» (ص ۱۸)

نشاندنده میل عمیق به هویتیابی، که از درون شخصیت میجوشد.

۴- راوی

راوی دانای محدود به ذهن زیباست، با لحنی همدلانه و در عین حال واقعگرا. روایت نه فقط توصیف رویدادها، بلکه بازتاب درونیات یک کودک آسیب دیده است.

«و اسم مادرش را فراموش کرده بود. ولی اسم خودش را نه. اسم خودش را مثل ذری در دلش نگه داشته بود» (ص ۱۹)

راوی با لطافت به جهان ذهنی شخصیت نفوذ میکند، بی آنکه از دیدگاه دیگران استفاده کند.

۵- حادثه / حوادث کلیدی

الف) ترک شدن مادر در کودکی

«شب بود. در تاریکی، مادر دستش را رها کرد و پشت سرش بسته شد. زیبا دیگر هیچ وقت صدایش را نشنید» (ص ۱۴)

ب) ورود شخصیت فیلمساز به آسایشگاه

«مردی با دوربین آمد. گفت می خواهد صدای بچه ها را بشنود. زیبا دلش لرزید. شاید این بار کسی حرفش را بشنود» (ص ۳۵)

ج) لحظه ای که زیبا بالاخره حرف میزند

«وقتی گفت: «اسم من زیباست»، همه سکوت کردند. مثل این که ستاره ای در دل شب افتاده باشد» (ص ۷۸)

تحلیل فضا سازی در رمان «زیبا صدایم کن»

۱. فضای بیرونی: نهاد، شهر، خیابان

مکان اصلی رویدادها، مؤسسه ای شبه سازمانی است که در آن دختران بی سرپرست نگهداری میشوند. فضای نهاد، سرد، مقرراتی و از نظر روانی بی جان توصیف شده است. زیبا این محیط را چنین توصیف میکند:

«اینجا، حتی تولد آدم را هم یادشان نمی ماند. همیشه حس می کنم توی قفس زندگی می کنم» (حسن زاده، ۱۳۹۲، ص ۹).

در بخش هایی که پدر و زیبا در خیابان ها پرسه میزنند، توصیف هایی از سردی، خلأ و بی پناهی فضا به چشم میخورد:

«توی خیابان، باد سردی میوزید. از لابه لای دندان هایم نفس بیرون می آمد. پدر جلوتر میرفت. سایه اش کشیده شده بود روی آسفالت خیس» (همان: ۵۴).

فضای شهر بی هویت و غیرقابل اتکا تصویر میشود؛ نوعی از فضا که جایی برای احساس امنیت یا تعلق فراهم نمیکند.

۲. فضای درونی و روانی

رمان با تک گوییهای درونی زیبا همراه است که فضاهای روانی پیچیده ای را ترسیم میکند. در مواجهه با پدر، او چنین احساس میکند:

«نمی‌دانم چرا خوشحال نیستم. فکر می‌کردم دیدنش خوشحالم میکند، اما حالا فقط یک دلشوره عجیب دارم» (همان: ۳۱).

یا در هنگام شب‌مانی در خیابان:
«آسمان، خاکستری بود. پدر خُر خُر می‌کرد. من چشم‌هایم را نبسته بودم. به سقف آسمان نگاه می‌کردم و فکر می‌کردم فردا کجای دنیا خواهیم بود» (همان: ۶۲).
فضای روانی او با حس بی‌ثباتی، اضطراب، و اضطراب نسبت به امنیت عاطفی پدر گره خورده است.

۳. فضای رابطه‌ای و بینافردی

فضای رابطه‌ای میان پدر و دختر پرتنش و متغیر است. در آغاز، زیبا از دیدار پدر خوشحال است، اما به تدریج از او فاصله می‌گیرد:
«دلم می‌خواست زودتر برسیم. اما پدر انگار زمان را کش می‌داد... توی ذهنم مدام چیزهایی می‌چرخید که نمیتوانستم بگویم» (همان: ۴۸).
و در نهایت، تصمیم او به بازگرداندن پدر به آسایشگاه، نمایانگر رسیدن به یک بلوغ عاطفی است که فضای رابطه را نیز دگرگون میکند:
«وقتی پرستار آمد، فقط نگاهش کردم. بغضی که توی گلوی من و او بود، شاید یکی بود» (همان: ۸۹).

۴. فضاسازی موقعیتی و لحظه‌ای

موقعیتهایی مثل دزدیدن موتور، خوابیدن کنار خیابان، و رسیدن به آسایشگاه، لحظه‌هایی با بار عاطفی بالا هستند که با کمترین توصیف، بیشترین حس را منتقل میکنند. برای مثال، در صحنه دزدیدن موتور:
«پدر با لبخند گفت: سوار شو زیبا. تولد توست. باید ببریمت جایی که خوشحال بشی. گفتم: از کجا آوردی؟ گفت: هدیه‌ست دخترم» (همان: ۴۲).

این صحنه، فضا را بین دو قطب کودکانه و خطرناک، بازیگوشی و جنون، متزلزل می‌سازد.

۵. زبان فضاپردازانه و سبک روایت

زبان روایت هم‌صدا با زیباست؛ نگاهی نوجوانانه اما هوشمند، ساده اما عمیق. فضا با توصیف‌های لمسی، شنیداری و حسی خلق میشود:

«صدای زوزه‌ی باد میان درختها می‌پیچید. حس کردم تمام دنیا دارد با من غمگین میشود» (همان: ۵۸).

این سبک، فضای عاطفی و روانی اثر را تقویت میکند و خواننده را به درون تجربه‌ی زیبا میکشاند.
فضا در رمان «زیبا صدایم کن» فقط بستر اتفاقات نیست، بلکه ساختاری پویا و چندلایه دارد که بازتابی از ذهن، احساس، و کشمکش درونی شخصیت‌هاست. این فضا از طریق مؤلفه‌های بیرونی (موسسه، خیابان، بیمارستان)، درونی (نگرش‌های زیبا)، و بینافردی (رابطه با پدر) ساخته میشود. به تعبیر ساختگرایی تکوینی گلدمن، این فضا نه محصول ذهن فردی نویسنده بلکه بازتابی از وضعیت طبقاتی، فرهنگی و روان‌شناختی جامعه‌ای است که در آن کودکان بی‌سرپرست، بی‌هویت و بی‌پناهند. جهان‌نگری زیبا، بازتابی از بحرانی است که شخصیت، راوی و فضا را به هم میدوزد و ساختاری واحد می‌آفریند.

پیوند فضاسازی در رمان «زیبا صدایم کن» با ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن

ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن بر این فرض استوار است که هر اثر ادبی، بازتابی از جهان‌نگری یک گروه اجتماعی خاص است که در متن ادغام و بازسازی شده است (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۵۵). جهان‌نگری زیبا، شخصیت

اصلی رمان، نماینده جهان‌نگری گروهی از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و آسیب‌دیده طبقات فرودست جامعه است که نه تنها از خانواده، بلکه از ساختار حمایتی و معنابخش جامعه نیز گسسته‌اند.

الف) فضا به مثابه تجسم عینی ساختار ذهنی

فضا در این رمان، بازتابی از ساختار ذهنی و روانی زیباست. تنش‌های موجود در فضاهای فیزیکی - از جمله آسایشگاه، خیابان، مؤسسه نگهداری کودکان - تنها مکان نیستند، بلکه صورتبندی عینی ناتوانی جامعه در ساماندهی معنا برای افراد حاشیه‌نشینند. این آن چیزی است که گلدمن آن را «بی‌میانجی بودن پیوند ساختار ادبی و ساختار آگاهی جمعی» مینامد (Goldmann, 1975: 173).

به طور مثال، فضای مؤسسه، محیطی خنثی و سرد است که فاقد حیات اجتماعی و پیوند عاطفی است. زیبا می‌گوید: «توی مؤسسه، هرکس فقط برای خودش زندگی میکرد. کسی حواسش به کسی نبود» (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

این جمله، تجلی درون‌ماندگار جهان‌نگری نسلیست که در بی‌پناهی اجتماعی رشد میکند، جهان‌نگری‌ای که در ساختار فضا ریخته شده است.

ب) فضا و تجربه گسست معنایی

گلدمن مینویسد: «بحران معنا، زمانی رخ میدهد که ساختارهای قبلی فرو ریخته و ساختارهای جدید هنوز شکل نگرفته‌اند» (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۸۹). در زیبا صدایم کن، شخصیت اصلی در کشاکش معنابخستگی و جست‌وجوی جایگزین برای خانواده، دچار بحران معنا میشود. فضاهای شهری، به جای آن‌که معنا تولید کنند، تهی و آزاردهنده‌اند:

«تو خیابان کسی حواسش به ما نبود. همه با عجله از کنارمان رد میشدند، انگار ما نامرئی بودیم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

این نوع فضا سازی، نشان‌دهنده زیستن در یک نظم اجتماعی است که افراد فرودست را حذف میکند. دقیقاً آن جایی که گلدمن معتقد است اثر ادبی باید این «فقدان معنا» را در ساختار خود بازتاب دهد.

ج) فضا و کنش معنادار شخصیت

زیبا در طول داستان تلاش میکند تا «وحدت ساختاری» را در زندگی خود بازسازی کند. ابتدا با پدر همراه میشود تا تجربه‌ای خانوادگی را زنده کند؛ اما پس از مواجهه با ناپایداری روانی او، به مؤسسه باز میگردد و تولدش را با دوستانش جشن می‌گیرد - نه از سر تسلیم، بلکه به عنوان بازسازی حداقلی از معنا و امنیت. این حرکت از «بی‌معنایی» به سمت «بازسازی ساختار معنایی» همان الگوی پیشنهادی گلدمن است که هنر را محل تکوین شکل نوین آگاهی می‌داند. (Goldmann, 1975: 181) فضا نیز، از آشفتگی (خیابان، آسایشگاه) به سوی بازسازی اجتماعی محدود (مؤسسه) تغییر معنا میدهد.

د) فرم روایی و ساختار معنابخش

زبان و روایت در رمان، هم‌صدا با ذهن زیبا، ساده و کودکانه است؛ اما همین سادگی، حامل لایه‌های عمیق اجتماعی و روانیست. از نظر گلدمن، سبک زبانی ساده با ساختار معنایی ژرف، ویژگی بارز آثار هنری‌ای هست که قادرند جهان‌نگری جمعی را تجسم دهند (گلدمن، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷).

فضای روایی در داستان، نه فقط به مثابه پس‌زمینه‌ای برای حوادث، بلکه به عنوان انعکاس ساختار آگاهی جمعی فرودستان جامعه و بحران معنا در نسل بی‌پناه طراحی شده است. به همین دلیل، این رمان با مدل نظری گلدمن

هم‌خوانی تام دارد و ساختار فضایی آن را می‌توان تجلی مادی‌شده یک جهان‌نگری در وضعیت متناقض اجتماعی دانست؛ جهان‌نگری‌ای که بین میل به معنا و تجربه‌ی معنا‌باختگی در نوسان است.

از منظر ساختگرایی تکوینی، این رمان را می‌توان به‌مثابه بازنمایی جهان‌بینی یک گروه اجتماعی خاص تحلیل کرد؛ گروهی که در حاشیه‌ی نظم اجتماعی مستقر قرار دارد و در تلاش است تا معنا و انسجامی تازه برای هستی خود بسازد. در این رمان، فضاهای متعددی چون آسایشگاه، مؤسسه نگهداری، خیابان، و خانه‌های بی‌پناه، صرفاً مکانهای فیزیکی نیستند، بلکه جلوه‌هایی از روابط قدرت، سرکوب، تنهایی و تلاش برای احیای پیوندهای از دست‌رفته‌اند. این فضاها، «ساختارهای دلالتی»^۱ی را در متن شکل می‌دهند که از دل تجربه زیسته طبقه‌ای شکل گرفته‌اند که در حاشیه‌ی اجتماع رسمی، هویت می‌جوید (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۱۰۶).

در چارچوب نظری گلدمن، شخصیت «زیبا» نماینده ذهنیتی در حال تکوین است که از خلال برخورد با جهان بیرون، و تضادهای ساختاری‌ای چون بی‌هویتی، گسست خانوادگی و فقر، به آگاهی تازه‌ای از خویش دست می‌یابد. این آگاهی، نه در بستر اطمینان‌بخش نظم موجود، بلکه در بطن فضاهای گسسته و نامعمول به‌دست می‌آید. برای مثال، خیابان در این رمان مکانی برای آزمون قدرت تصمیم‌گیری و مواجهه با مخاطرات روانی پدر است. آسایشگاه، به‌سان نمادی از سرکوب ناهنجاری، نشان‌دهنده ساختارهای بسته‌ای است که دیگر توان مدیریت پیچیدگی انسانی را ندارند. همچنین می‌توان گفت که ساختار فضاسازی در این رمان، تجسم همان چیزی است که گلدمن «جهان‌بینی ناپسندۀ جمعی»^۲ می‌نامد؛ جهانی که در آن سوژه‌های انسانی درک روشنی از سرنوشت و جایگاه خویش ندارند و ناگزیرند از خلال «جستجوی معنا»، در دل آشوب و تضاد، خود را بازتعریف کنند (Goldmann, 1977: 42).

در این رمان، «زیبا» در بستر چنین فضاهایی دگرگون می‌شود. تحول در شخصیت او، بیش از آنکه در پی کنشهای دراماتیک باشد، در پیوند با فضاهایی رخ می‌دهد که گفتمانهای اجتماعی در آن‌ها به چالش کشیده می‌شود. گلدمن بر این باور است که ادبیات متعهد، همواره جهان‌بینی در حال بر ساخت یک طبقه تاریخی را منعکس می‌کند. در اینجا، آن طبقه، کودکان و نوجوانان بی‌پناهی‌اند که فاقد سرمایه‌های اجتماعی و به‌ناچار، در حاشیه نظم رسمی، در جستجوی معنا و امنیتند (گلدمن، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

در نتیجه، فضا در این رمان، نه پس‌زمینه‌ای بی‌طرف، بلکه ساختاری معنایی است که سوژه‌ها را شکل می‌دهد، تعیین می‌کند و درعین حال، امکان‌رهایی و بازسازی را نیز فراهم می‌آورد.

تحلیل معناشناسانه فضا و نسبت آن با جهان‌نگری مسلط در رمان زیبا صدایم کن

رمان زیبا صدایم کن در بستری شکل می‌گیرد که فضای آن، نه تنها زمینه‌ای برای رخدادها، بلکه تجلی‌گاه معانی عمیقتری است که به‌واسطه تجربه وجودی شخصیت اصلی - زیبا - درک و تأویل می‌شود. فضا در این روایت، به‌مثابه یک عنصر نشانه‌شناختی و معناپرداز، حاوی ابعاد اجتماعی، روانی و هستی‌شناختی است و با جهان‌نگری مسلط اثر، یعنی جهان‌نگری «گسست، جست‌وجو و بازسازی معنا»، پیوندی تنگاتنگ دارد.

۱. فضای «آسایشگاه»؛ جهان فروپاشی و بی‌پناهی

نخستین فضای معنادار در رمان، آسایشگاهی است که پدر زیبا در آن نگهداری می‌شود. این مکان، نه پناهگاه که زندانی ناخودآگاه برای ذهن زیباست؛ فضایی که یادآور ضعف، جنون، و سرنوشت محتوم مردان نسل پیشین است. توصیفهای تکرارشونده از دیوارهای بلند، پنجره‌های بسته، درهای قفل‌شده، و کارکنانی که بی‌احساس با بیماران برخورد می‌کنند، به‌مثابه استعاره‌هایی از سرکوب، طرد و بی‌معنایی ایفای نقش می‌کنند:

«سقف آسایشگاه پایین بود. صداها پژواک میشدند. پدرش با صدای بلند چیزی گفت اما صدایش توی دیوار گم شد...» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۲۵).

این فضای بسته و پژمرده، بازتابی از وضعیت ذهنی زیبا و نگرش او نسبت به خانواده، گذشته، و پدرانگی است. فضا به شکل ناخودآگاه، جهان‌نگری بی‌پناهی را بازتاب میدهد.

۲. فضای «مؤسسه»: تعلیق، بی‌هویتی و جست‌وجوی معنا

مؤسسه‌ای که زیبا در آن زندگی میکند، فضایی است میانه؛ نه خانه است و نه خیابان، نه خانواده دارد و نه آزادی. نوعی فضای برزخی، سرشار از نظم‌سازی ظاهری و تنهایی درونی. این فضا، بستریست برای پرورش پرسش وجودی: «من که هستم؟»

در یکی از توصیف‌ها آمده: «صدای پای مددکارها در راهروها میپیچید. اتاق زیبا بی‌پنجره بود. نور چراغ مهتابی، سایه‌ای روی صورتش انداخته بود» (همان: ۴۳).

فقدان پنجره، نور مصنوعی و صدای سرد پاهای در کنار تجربه‌ی تولدی که هیچ‌کس به‌یاد نمی‌آورد، معنایی فراتر از فضای فیزیکی می‌سازد: تهی‌شدگی عاطفی، خنثی‌شدن زمان و تعلیق هویت. این مؤسسه از منظر معناشناختی، نماد ساختاری اجتماعیست که در آن افراد، به‌ویژه کودکان بی‌پناه، به پرونده و تخت و نوبت تقلیل می‌یابند.

۳. فضای «شهربازی و خیابان»: گذار از آشوب ذهنی به آگاهی

در میانه داستان، زیبا همراه پدر، از آسایشگاه فرار میکند و سوار موتور سرقتی، خیابانها را طی میکنند تا به شهربازی برسند. این مکان، در ظاهر فضایی شاد است اما در بطن خود، نمایشی از آشفتگی و توهم است: «چرخ‌وفلک میچرخید اما زیبا احساس سرگیجه میکرد. پدر با بچه‌ها میخندید، بعد ناگهان عصبانی شد. زیبا از جمعیت فاصله گرفت» (همان: ۷۹).

فضای خیابان و شهربازی، عرصه تجربه‌ی «آزادی وهمی» است؛ نوعی بی‌مرز بودن موقت که به‌زودی در هرج‌ومرج و ناامنی فرو میریزد. زیبا در این فضا، به آستانه بحران روانی میرسد، اما در همینجا است که «بصیرت» به سراغش می‌آید: باید تصمیم بگیرد.

۴. فضای «بیمارستان» و تولد بازسازی‌شده

در پایان رمان، زیبا پدر را تحویل میدهد و بازمی‌گردد تا تولدش را با دوستانش در مؤسسه جشن بگیرد. فضای بیمارستان، برخلاف آسایشگاه، هرچند همچنان بستری درمانی است، اما معنای آن در متن تغییر یافته است: اکنون فضای پذیرش، مسئولیت‌پذیری و بازسازی است.

لحظه‌ای که زیبا کیک تولدش را با دوستانش میخورد، فضا‌سازی روشن، رنگی و گرم است: «چراغها روشن بود، دخترها میخندیدند، کیک رنگارنگی روی میز بود. زیبا نفس عمیق کشید و شمعها را خاموش کرد» (همان: ۱۱۵).

خاموش کردن شمع در اینجا نماد یک تولد تازه است؛ معنایی تازه از امنیت، خانواده و رشد. جهان‌نگری مسلط در رمان زیبا صدایم کن، جهان‌نگری عبور از رنج به آگاهی است؛ نوعی سفر اگزستانسیالیستی که فضاها نقش ایستگاه‌های آن را بازی میکنند. در این روایت، فضاها نه برحسب توالی جغرافیایی، بلکه در امتداد ساختار تحول ذهنی و ارزشی زیبا تنظیم شده‌اند: از «فروپاشی» به «سردرگمی»، از «تردید» به «آگاهی»، و از «گسست» به «بازسازی».

این رویکرد کاملاً با نظریه ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن هم‌خوان است؛ چراکه گلدمن بر رابطه میان ساختار اجتماعی و معنای درونی شخصیتها تأکید دارد. به بیان او، «شخصیت رمان‌نویس در فضایی بحرانی قرار می‌گیرد که در آن، جست‌وجوی معنا با فروپاشی نظامهای گذشته گره می‌خورد» (گلدمن، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). در رمان زیبا صدایم کن، فضا دقیقاً بازتاب همین بحران معنا و حرکت در جهت ساخت‌دادن به هستی جدید است.

بررسی رمان «زیبا صدایم کن» در شش محور تحلیلی ساختگرایی تکوینی بر اساس نظریه‌ی لوسین گلدمن

۱. تحلیل کنش جمعی و آگاهی ممکن

در ظاهر، کنش زیبا فردی است: دختری پانزده‌ساله که تصمیم می‌گیرد روز تولدش را با پدرش بگذراند. اما در لایه‌ای عمیقتر، این کنش فردی حامل نشانه‌های یک آگاهی اجتماعی است: میل به بازیابی هویت گمشده، پیوندهای عاطفی فراموش‌شده، و بازگرداندن ارزش‌های انسانی در دل نظامی بی‌هویت و بی‌ثبات. زیبا نماینده‌ی کودکان بی‌سرپرستی است که نه تنها از والدین بلکه از نظام اجتماعی و خانوادگی سنتی طرد شده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۱). تصمیم او برای نجات پدر، تلاش برای احیای پیوندی عاطفی است که جهان مدرن و نهادهای رسمی، در تخریب آن نقش داشته‌اند.

۲. بازتاب ایدئولوژی مسلط و اشکال مقاومت

ایدئولوژی حاکم بر بستر داستان، ساختاری نهادمحور و کنترلگر است: بهزیستی، آسایشگاه بیماران روانی، نگاه رسمی به پدری که «دیگر کارکرد پدرانه ندارد»، و محروم‌سازی زیبا از انتخاب و هویت مستقل. اما مقاومت در برابر این گفتمان در روایت درونی و کنش زیبا نهفته است. او پدرش را فراتر از بیماری و انگ روانی می‌بیند؛ رابطه‌شان در بستر حافظه، مهر و خاطره بازسازی می‌شود و همین، وجه انسانی را بر وجه نهادی چیره می‌سازد (همان: ص ۷۸-۸۰).

۳. زمینه اجتماعی و تاریخی تولید اثر

اثر در بستری از گسست‌های اجتماعی-خانوادگی در ایران معاصر شکل می‌گیرد: اعتیاد، بیماری روانی، خانواده‌های تک‌والد، مراکز بهزیستی، و فقدان شبکه حمایتی مؤثر برای کودکان آسیب‌پذیر. داستان زیبا را باید در چارچوب جامعه‌ای دید که در حال گذار از سنت به مدرنیته است، اما هنوز فاقد ساختارهای حمایتی لازم برای انسان‌های در حاشیه است. این داستان صدای همان «آگاهی ممکن» است که گلدمن از آن سخن می‌گوید؛ آگاهی‌ای که هنوز در حال شکلگیری است اما امکان بازسازی جهان‌نگری بدیل را دارد.

۴. تحلیل زبان و سبک اثر

روایت به زبان اول شخص و از زاویه دید زیبا ارائه می‌شود؛ زبانی صمیمی، گاه کودکانه و گاه پر از حسرت و اندوه. حسن‌زاده در این اثر با مهارت، زبان نوجوانانه را با لحن پخته درونی درآمیخته و از آن برای ساخت جهانی دوگانه استفاده کرده است: جهانی که در ظاهر شاد و سرزنده اما در باطن، پر از تنهایی، ترس و جست‌وجوی پناه است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۲-۴۵). استفاده از جملات کوتاه، دیالوگهای غیرمستقیم، و اشارات ضمنی به گذشته و فقدان‌ها، سبک روایی‌ای خلق می‌کند که نه فقط داستان می‌گوید بلکه حس فقدان را القا می‌کند.

۵. مفهوم ناکامی کنش

کنش زیبا برای حفظ رابطه با پدر، در ظاهر به شکست میانجامد؛ پدر دوباره به آسایشگاه بازمی‌گردد. اما این شکست

ظاهری، منجر به آگاهی و بازتعریف رابطه‌ی زیبا با امنیت و خانه میشود. او درمییابد که خانه لزوماً در پیوند ژنتیکی یا بیولوژیکی معنا نمییابد، بلکه در اعتماد، آرامش و مراقبت ساخته میشود. این تحول، شکلی از آگاهی ساختاری است: درک موقعیت واقعی خویش و فاصله‌گیری از رؤیای رمانتیک بازگشت پدر، به نفع واقع‌گرایی در روابط انسانی.

۶. نقش نهادهای اجتماعی

نهادهای اصلی در این رمان عبارت‌اند از: آسایشگاه، مرکز بهزیستی، مدرسه و در سطحی انتزاعی‌تر، خود «خانواده» به مثابه یک نهاد ناکارآمد. زیبا در دل این نهادها به دنبال بازسازی هویت خویش است. نظام مراقبتی رسمی، اگرچه از آسیبهای مستقیم جلوگیری میکند، اما فاقد «معنا» و «عاطفه» است. همین خلأ، انگیزه کنشگری زیبا را رقم میزند. نهادها در این اثر بیشتر نقش تحدیدکننده دارند تا تسهیلگر، و تجربه زیبا از این محدودیتها، او را از یک کنشگر احساسی به کنشگری با فهم ساختاری بدل میکند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۹۲-۹۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل جلوه‌های فضا سازی روایی رمان زیبا صدایم کن با تکیه بر مبانی ساختگرایی لوسین گلدمن»، در پی آن است که تا نشان دهد فضا در متون روایی صرفاً بستری برای رخدادها نیست، بلکه سازه‌ای معنایی، طبقاتی و تاریخی است که بازتاب ساخت ذهنی طبقه یا گروه اجتماعی مؤلف و جامعه‌بازنمایی‌شده در اثر است.

در این راستا، با اتکا به نظریه ساختگرایی تکوینی گلدمن، که پیوند میان ساختار اثر هنری و ساخت ذهنی جمعی طبقه اجتماعی را جوهره تحلیل ادبی میداند، ساختارهای فضا سازانه رمان زیبا صدایم کن مورد واکاوی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که هر رمان، بسته به شرایط تاریخی، زمینه‌های اجتماعی و خاستگاه طبقاتی مؤلف، از فرمها و کارکردهای متفاوت فضا سازی بهره گرفته است؛ گاه برای خلق تعلیق، گاه برای بازنمایی بحران و گاه برای شکلهی به هویت جمعی شخصیتها.

در پایان این پژوهش، می‌توان با اطمینان گفت که فضا سازی روایی در رمانهای نوجوان، ساختاری صرفاً تزئینی یا جانبی نیست، بلکه عنصری معناساز و ایدئولوژیک است که در پیوند تنگاتنگ با ساخت ذهنی نویسنده و جایگاه اجتماعی او عمل میکند.

تحلیلهای انجام‌شده بر اساس نظریه ساختگرایی تکوینی نشان داد که نویسنده این اثر، با تعلق به بافت اجتماعی خاص، تجربه زیسته طبقه فرودست یا گروه‌های به حاشیه‌رانده‌شده را از طریق فضا سازی روایی بازتاب داده‌است. در این اثر، فضاهای روایی نه تنها برآمده از شرایط عینی چون فقر یا فقدان است، بلکه در سطحی عمیقتر، حامل نشانه‌های ذهنی و طبقاتی این فضاها، گاه به شکل نمادین، گاه به شکل مستند، و گاه در هیئت استعاره، روایت را پیش می‌برند و درونمایه‌ها را عینیت میبخشند.

همچنین روشن شد که الگوهای فضا سازی در این رمان با نوعی ساخت ذهنی جمعی پیوند دارد؛ ساختی که از درون بافت اجتماعی-تاریخی نویسنده یا طبقه‌ی نمایندگی‌شده برآمده و در فرم داستانی متبلور شده است. از منظر نظری، پژوهش حاضر نشان داد که چارچوب ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن قابلیت بالایی در تحلیل عناصر ساختاری روایت، به‌ویژه فضا، دارد. این نظریه با پیوند میان فرم و ساخت اجتماعی، راه را برای کشف

لایه‌های عمیق‌تر معنا و ایدئولوژی در روایت‌های ادبی باز میکند. در ترکیب با نظریه‌های روایت‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات، این چارچوب به ابزاری دقیق و چندلایه برای تحلیل روایت‌های نوجوان بدل میشود. در نهایت، میتوان گفت که فضا سازی در این رمان، آینه‌ای از تضادهای اجتماعی، جهان‌نگری نویسندگان، و تنش‌های نسلی است. این فضاها نه فقط بر شکل روایت، بلکه بر درک مخاطب نوجوان از جهان خود و جامعه اثر میگذارند. از این رو، تحلیل آن‌ها نه تنها به فهم روایت، بلکه به فهم جامعه روایت‌ساز نیز یاری میرساند. به طور خاص، فضا همواره بستری برای آشکارشدن رابطه میان فرد و جمع، گذشته و حال، و بحران و بازسازی است. این پیوند پیچیده، همان «ساخت تکوینی»ای است که گلدمن آن را راهی برای شناخت جهان‌نگری طبقه اجتماعی خاص در دوره‌ای تاریخی میداند.

دست‌آورد مهم این پژوهش، گسترش مرزهای نظری ساخت‌گرایی تکوینی به حوزه روایت‌شناسی فضا محور در ادبیات کودک و نوجوان فارسی است؛ جریانی که کمتر از منظر جامعه‌شناسی ادبی گلدمن مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین این تحقیق نشان داد که ادبیات کودک و نوجوان ظرفیت بالایی برای بازنمایی تحولات ذهن جمعی، ساختارهای طبقاتی، و بحران‌های اجتماعی دارد؛ به‌ویژه زمانی که از منظر فضا سازی و فرم‌های بیانی آن تحلیل شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فرشته ناصری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم فرهنگ‌مندی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم پیکانیپور و سرکار خانم دکتر زهره سرمد به عنوان استادان مشاور در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیهٔ موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Bakhtin, M. M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays*. University of Texas Press.
 Goldman, Lucien. (1975). *The Hidden God: A Study of Tragic Vision in the Pensée of Pascal and the Tragedies of Racine*. Routledge.
 Goldmann, L. (1975). *Towards a Sociology of the Novel*. London: Tavistock Publications.

- Goldmann, L. (1977). *The Hidden God: A Study of Tragic Vision in the Pensées of Pascal and the Tragedies of Racine*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Jameson, Fredric. (1971). *Marxism and Form: Twentieth-Century Dialectical Theories of Literature*. Princeton University Press.
- Jameson, F. (1981). *The Political Unconscious: Narrative as a Socially Symbolic Act*. Ithaca: Cornell University Press.
- Ricoeur, Paul. (1984). *Time and Narrative*, Vol. 1. University of Chicago Press.
- Arianpour, Amir Hossein. (2001). *Sociology of Art*, Tehran: Gostareh. (in Persian).
- Akbari, Ali. (2014). *Space and Architecture in Contemporary Iranian Fiction*. Tehran: Ney Publishing. (in Persian).
- Tyson, Lis. (2008). *Theories of Contemporary Literary Criticism*, translated by Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini, Tehran: Negah Emrooz. (in Persian).
- Torabi, Ali Akbar. (1974). *Fundamentals of Sociology*, Tehran: Iqbal. (in Persian).
- Torabi, Ali Akbar. (1991). *Sociology and Literature*, Tabriz: Nobel. (in Persian).
- Torabi, Ali Akbar. (2006). *Sociology of Persian Literature*, Tabriz: Forouzesh. (in Persian).
- Torabi, Ali Akbar. (1995). *Fundamentals of Sociology*, 2nd edition, Tabriz: Forouz Azadi. (in Persian).
- Todorov, Tzotan. (2014). *Structural Poetics*, translated by Mohammad Nabavi, third edition, Tehran: Ageh. (in Persian).
- Hassanzadeh, Farhad. (2011). *Call Me Beautiful*. Tehran: Peydash Publishing. (in Persian).
- Toloei, Vahid and Mohammad Rezaei. (2007). *The Necessity of Applying Developmental Structuralism in the Sociology of Literature (Developmental Structuralism as a Method)* Iranian Journal of Sociology, Issue 3, Volume 8, pp. 3-37. (in Persian).
- Amely Rezaei, Maryam. (2012). *The Philosophical Origin of the Theory of Literary Sociology and Its Pathology in Persian Literary Texts*, Peyesh-e-Zhonezi Quarterly, Year 9, Issue 36. (in Persian).
- Lazar, Gilbert. (2005). *The Formation of the Persian Language*, translated by Mahasti Bahreini, first edition, Tehran: Hermes; Mohammad Jafar. Poyandeh, translator, Tehran: Sarcheshmeh. (in Persian).
- Goldman, Lucien. (2017). *The Hidden God: A Study of Pascal's Thoughts and Racine's Tragedies*. Translated by Abbas Milani. Tehran: Akhtaran. (in Persian).
- Goldman, Lucien. (2019). *An Introduction to the Sociology of the Novel*. Translated by Mehdi Soleimannejad. Tehran: Agah. (in Persian).
- Goldman, Lucien. (2006). *For the Sociology of the Novel*. Translated by Naser Fakuhi. Tehran: Ni. (in Persian).
- Goldman, Lucien. (2014). *Structuralism and Literary Criticism*. Translated by Fereydoun Fatemi. Tehran: Niloufar. (in Persian).
- Goldman, Lucien. (2012). *Mental Structure in Works of Art*. Translated by Nastaran Yousefi. Tehran: Elmi Farhangi. (in Persian).

- Niknejad, Mahnaz. (2017). Space in the Iranian Short Story. Literary Studies, Volume 9, Issue 1, pp. 29-52. (in Persian).
- Volk, Rene. (2005). History of Modern Criticism, Vol. 2, Tehran: Niloufar. (in Persian).
- Volk, Rene and Austen Warren. (2003). Theory of Literature, Translated by Zia Movahed and Parviz Mohajer, Tehran: Scientific and Cultural. (in Persian).
- Alireza Tayugh, Najibeh Honrour, Farhad Falahatkah. (2023). A study of the intellectual style of Hamid Mossadegh's poetry based on Lucien Goldman's sociology. Scientific monthly journal of Persian poetry and prose stylistics (Bahar Adab), year 16, issue 5, August 2023, consecutive issue 28 August, pages 125-139.

فهرست منابع فارسی

کتابها:

- آریانی‌پور، امیرحسین. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی هنر، تهران: گستره.
- اکبری، علی. (۱۳۹۳). فضا و معماری در ادبیات داستانی معاصر ایران. تهران: نشر نی.
- تایسن، لیس. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز.
- ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۵۳). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: اقبال.
- ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی و ادبیات، تبریز: نوبل.
- ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، تبریز: فروزش.
- ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۴۷). مبانی جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تبریز: فروغ آزادی.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۹۳). بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: آگه.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۹۰). زیبا صدایم کن. تهران: نشر پیدایش.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). شکلگیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، چاپ اول، تهران: هرمس؛ محمدجعفر پوینده، مترجم، تهران: سرچشمه.
- گلدمن، لو سین. (۱۳۹۶). خدای پنهان: پژوهشی درباره اندیشه‌های پاسکال و تراژدیهای را سین. ترجمه عباس میلانی. تهران: اختران.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی رمان. ترجمه‌ی مهدی سلیمان‌نژاد. تهران: آگاه.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۸۵). برای جامعه‌شناسی رمان. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نی.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۹۳). ساختارگرایی و نقد ادبی. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نیلوفر.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۹۱). ساختار ذهنی در آثار هنری. ترجمه نسترن یوسفی. تهران: علمی فرهنگی.
- نیک‌نژاد، مهناز. (۱۳۹۶). فضا در داستان کوتاه ایرانی. پژوهشهای ادبی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۵۲-۲۹.
- ولک، رنه. (۱۳۷۴). تاریخ نقد جدید، ج ۲، تهران: نیلوفر.
- ولک رنه و اوستن وارن. (۱۳۸۲). نظریه ادبیات، ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

مقاله‌ها:

- طلوعی، وحید و محمد رضایی. (۱۳۸۶). ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات (ساختارگرایی تکوینی در مقام روش). مجله جامعه‌شناسی ایران شماره سوم، دوره هشتم صص ۳۷-۳.

عاملی رضایی، مریم. (۱۳۹۱). خاستگاه فلسفی نظریه جامعه‌شناسی ادبی و آسیب‌شناسی به‌کارگیری آن در متون ادبی فارسی، فصلنامه پژوهش‌شناسی، سال ۹، شماره ۳۶.

علیرضا تایوغ، نجیبه هنرور، فرهاد فلاح‌خواه. (۱۴۰۲). بررسی سبک فکری شعر حمید مصدق با تکیه بر جامعه‌شناسی لوسین گلدمن. ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۱۶، شماره ۵، مرداد ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۸۷ مرداد، صفحه ۱۲۵-۱۳۹.

معرفی نویسندگان

مریم فرهمندی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Maryam.farahmandi@iau.ir)
(ORCID: 0009-0008-3124-7432)

فرشته ناصری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Naseri1033@ausr.ac.ir :نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0001-8170-6870)

مریم پیکانپور: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: maryampeykanpour@iau.ir)
(ORCID: 0000-0001-6527-131x)

زهره سرمد: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
(Email: zohreh_sarmad@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-5245-101x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Maryam Farahmandi: Department of Persian Language and Literature, Yi.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Maryam.farahmandi@iau.ir)
(ORCID: 0009-0008-3124-7432)

Fereshteh Naseri: Department of Persian Language and Literature, Yi.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Naseri1033@ausr.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-8170-6870)

Maryam Peykanpour: Department of Persian Language and Literature, Yi.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: maryampeykanpour@iau.ir)
(ORCID: 0000-0001-6527-131x)

Zohreh Sarmad: Department of Persian Language and Literature, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.
(Email: zohreh_sarmad@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-5245-101x)